سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۷۹–۱۵۹

تحلیل تأثیر مالیات بر توزیع درآمد با استفاده از روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) (مطالعه موردی استان تهران)

علی فکور

دانشجوی دکتری اقتصاد، اقتصاد بین‌المللی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

ویدا ورهرامی

دانشیار، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

محمدرضا طاهری‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد، اقتصاد اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

توزیع درآمد و تلاش در راستای بهبود آن، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که دولت‌ها با آن مواجه هستند. توزیع درآمد از عوامل مهمی تأثیر می‌پذیرد. هدف این مقاله بررسی تأثیر مالیات بر توزیع درآمد در استان تهران است. با توجه به جامعیت استان تهران به‌عنوان پایتخت کشور و ازآنجاکه طبق آمار در سال ۱۳۹۹ حدود ۴۹ درصد از کل درآمدهای مالیاتی کشور را این استان تأمین می‌کند. از این لحاظ بررسی این استان از اهمیت ویژه‌ای در تحلیل تأثیر سیاست‌های مالی (مالیات بر درآمد) بر توزیع درآمد دارد. در این راستا، برای بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها و برآورد ضرایب مربوط به مدل‌های اصلاح بلندمدت و اصلاح خطا برای نابرابری درآمد از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹، از روش خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده‌شده است که رابطه بلندمدت بین متغیرها را نشان می‌دهد و نتایج حاکی از آن است که افزایش درآمد از طریق مالیات بر درآمد منجر به کاهش نابرابری درآمد می‌شود لذا تا آنجا که ممکن است، باید پایه مالیات بر درآمد شخصی تقویت و جایگزین پایه‌های مالیاتی ناکارآمد شود.

طبقه‌بندی JEL: H21, O15, O53

واژگان کلیدی: توزیع درآمد، ضریب جینی، مالیات بر درآمد، ARDL.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

۱. مقدمه

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. ازاین‌رو یکی از وظایف اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است. سیاست‌های مالی دولت قطعاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. به‌عبارت‌دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاست‌ها می‌تواند از طریق اعمال مالیات‌ها یا برقراری مخارج انتقالی دولت مثل یارانه‌ها (مالیات‌های منفی) کمک‌های بلاعوض و یا افزایش تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد باشد. حال این سؤال مطرح است که در سیستم مالیاتی، اعمال چه نوع مالیاتی از نوع مستقیم و یا غیرمستقیم، بر توزیع مجدد درآمد مؤثر است؟ بنابراین هدف از این مقاله بررسی تأثیر مالیات بر درآمد بر توزیع مجدد درآمد در استان تهران خواهد بود.

در تمام کشورهای جهان درجاتی از نابرابری درآمد وجود دارد و تفاوت‌های زیادی بین فقیر و غنی در هر دو گروه کشورهای پیشرفته و درحال‌توسعه وجود دارد. بااین‌وجود، شکاف بین فقیر و غنی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته معمولاً بیشتر از کشورهای پیشرفته است. ازاین‌رو، نیاز به تحقیق و تجزیه‌وتحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد آشکار می‌شود؛ زیرا با تحقیق و شناسایی عوامل مؤثر در نابرابری و ایجاد مجموعه‌ای از سیاست‌ها و استراتژی‌های برنامه‌ریزی‌شده برای کاهش نابرابری و اجرای سیاست‌ها، میزان فقر کاهش می‌یابد و بسیاری از مشکلات جامعه را برطرف می‌کند. مالیات به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های مالی دولت یکی از عوامل تأثیرگذار در توزیع درآمد است. در هر سیستم اقتصادی، مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان آن سیستم در نظر گرفته می‌شود. گسترش و تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و افزایش نقش دولت‌ها در ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و غیره و تعهدات آن در جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، مالیات را به موضوعی حیاتی برای تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد تبدیل کرده است (فرامرزی و دیگران، ۲۰۱۶). از جمله تحقیقات صورت گرفته در حوزه تأثیر مالیات بر

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

توزیع عادلانه درآمد می‌توان به مطالعات فراهتی (۱۳۹۷) و نادری و سلاطین (۱۳۹۷) پرداخت که در این مطالعات با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی تأثیر مالیات بر توزیع عادلانه ثروت و درنتیجه کاهش ضریب جینی پرداخته شده است. موضوع تأثیر مالیات بر توزیع عادلانه درآمد در مطالعات داخلی و خارجی مورد ارزیابی قرار گرفته است منتها در این مطالعات بر نقش هزینه‌های دولت بر ضریب جینی به عنوان عامل تأثیرگذار کمتر اشاره شده است و لذا این مقاله علاوه بر بررسی تأثیر مالیات بر ضریب جینی به عنوان عامل اساسی، بر تأثیر هزینه‌های دولت، تورم، رشد جمعیت و تولید ناخالص داخلی نیز روی ضریب جینی اشاره کرده است تا راهکارها و سیاست‌های بهتری برای بهبود توزیع درآمد ارائه شود. به همین دلیل می‌توان این مقاله را از این بابت دارای نوآوری دانست. همچنین از جنبه‌های متمایز این مطالعه می‌توان به زمان، روش تحقیق و از همه مهم‌تر بررسی رابطه بلندمدت موجود بین متغیر وابسته و متغیر اصلی تحقیق اشاره کرد. تحقیق در مورد توزیع درآمد در استان تهران و تأثیر آن بر مالیات بر درآمد از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ انجام‌شده است که پیش از این انجام نشده است. فرضیه تحقیق این است که مالیات بر درآمد تأثیر منفی و معنی‌داری بر شاخص ضریب جینی دارد و از این مقاله می‌توان جهت کمک به برنامه‌ریزی مالیاتی مناسب بر حقوق، مسئله توزیع عادلانه درآمد را با برنامه‌ریزی و اقدامات مناسبی حل نمود.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری توضیح داده می‌شود. سپس مطالعات تجربی در این زمینه موردمطالعه قرار می‌گیرد. در بخش بعدی، بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، مدل ارائه‌شده و متغیرها تعریف‌شده‌اند و سپس نتایج موردبحث قرار می‌گیرد در پایان، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها برای بهبود توزیع درآمد ارائه‌شده است.

۲. مبانی نظری

اهمیت توزیع عادلانه درآمد، فرصت‌ها و امکانات اقتصادی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. برخی شاخص‌ها، توزیع درآمد را توضیح می‌دهند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ضریب جینی است. مقدار این ضریب بین صفر و یک متغیر است. نزدیک‌تر بودن این ضریب به صفر به معنای توزیع عادلانه ثروت است و نزدیک‌تر بودن ضریب به عدد یک یعنی ثروت به افراد ثروتمند اختصاص‌یافته و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

توزیع درآمد به‌صورت نابرابر و محدود بوده است. بر این اساس، کشورهایی که ضریب جینی آن‌ها بیش از ۰/۵ است، کشورهایی هستند که توزیع درآمد نابرابر دارند و کشورهایی که ضریب جینی آن‌ها بین ۰/۴ تا ۰/۵ است، کشورهایی هستند که توزیع درآمد نابرابر کمتری دارند. سرانجام، کشورهایی با ضریب جینی کمتر از ۰/۴ کشورهایی هستند که توزیع درآمد عادلانه دارند (بانک جهانی[1]، ۲۰۱۴؛ رضاقلی‌زاده و آقایی، ۲۰۱۵).

یکی از مسئولیت‌های اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد و ثروت است که باسیاست‌های مالی محقق می‌شود. توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به وجود خواهد آورد. عوامل مختلفی بر سطح توزیع درآمد تأثیر می‌گذارند، مانند رشد و توسعه اقتصادی، عوامل جمعیت شناختی، عوامل سیاسی، عوامل تاریخی، عوامل فرهنگی و طبیعی و عوامل اقتصادی در سطوح کلان (آذربایجانی و دیگران، ۲۰۱۴). عوامل سیاسی و اقتصادی کلان تأثیر مستقیمی بر توزیع درآمد دارند. سیاست‌های مالی یکی از این عوامل است. ایجاد سیاست‌های مالیاتی به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های مالی عملکردهای مختلفی دارد. ازیک‌طرف، مالیات منبع درآمدی برای دولت است و از طرف دیگر، سیاستی برای اصلاح خطا و لغزش‌های بازار است. همچنین، سیاست مالیاتی ابزاری برای بهبود توزیع درآمد است. ماسگراو[2] (۱۹۵۹) اظهار داشت که مالیات در اقتصاد نقش‌های مختلفی دارد: تثبیت، تخصیص و توزیع درآمد. منظور از تثبیت، مسئولیت دولت در ایجاد انگیزه در فعالیت‌های اقتصادی و مصرف است. تخصیص نیز به ارائه کالاها و خدمات عمومی مربوط شده و توزیع درآمد به انتقال ثروت از ثروتمندان به فقرا برای داشتن جامعه‌ای برابر اشاره دارد. تأثیر مالیات بر توزیع درآمد ازنظر مالیات مستقیم و غیرمستقیم به سیستم مالیاتی اتخاذشده بستگی دارد. در بیشتر کشورها، مالیات مستقیم شامل مالیات بر درآمد افراد، ثروت و شرکت‌ها است. مالیات بر درآمد شخصی پس از برخی از سطوح معافیت، به‌عنوان نرخ‌های تصاعدی روی درآمد مؤثر اعمال می‌شود. در صورت عدم فرار مالیاتی،

1. World bank
2. Masgero

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

این نوع مالیات به‌منظور توزیع مجدد درآمد استفاده‌شده و با اصل قابلیت در پرداخت سازگار است. مالیات بر دارایی با توجه به ثروت تجمعی افراد اعمال می‌شود. این جنبه تصاعدی مالیات را افزایش می‌دهد، به‌ویژه در گروه‌های با درآمد بالا، زیرا مالیات بر خالص ثروت همراه با مالیات بر درآمد، مالیات را با توجه به توانایی پرداخت فرد، بهتر تقسیم می‌کند. همچنین، مالیات بر دارایی خالص با توزیع مجدد ثروت، سبب جلوگیری از انباشت ثروت و تشویق به استفاده مؤثر از دارایی‌ها می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی اعمال شود.

در مورد مالیات بر درآمد، اگر مالیات تصاعدی بر درآمد اعمال شود، به‌طور مؤثر توزیع درآمد در یک جامعه را بهبود می‌بخشد (پژویان، ۱۳۹۶). هیچ پایه مالیاتی بهتر از مالیات بر درآمد برای انجام نرخ‌های تصاعدی وجود ندارد. از طرف دیگر، باید توجه داشت که مالیات بر درآمد، به‌جز مالیات بر درآمد کل که بیشتر شامل مالیات بر حقوق و دستمزد و مالیات بر سود شرکت‌ها است، مالیات بازار نهاده‌ها نیز محسوب می‌شوند. آن‌ها غالباً باعث تخصیص نادرست و ناکارآمد منابع می‌شوند و تأثیر بسیار زیادی بر بهره‌وری اقتصادی دارند. این مالیات بازده خالص ورودی را کاهش می‌دهد و در صورت اعمال با نرخ تصاعدی، تأثیرات مخرب قوی‌تری دارد. تأثیرات مالیات بر درآمد به‌عنوان انتخابی بین مصرف و پس‌انداز به نظر می‌رسد، اما تأثیر قابل‌توجهی بر کار و ورودی سرمایه ندارد. درآمد کل حاصل درآمد واقعی یک شخص است و از منابع درآمدی مانند سرمایه، نیروی کار، اجاره و غیره به دست می‌آید که نشان‌دهنده رفاه و درآمد عمومی فرد است؛ بنابراین، واضح است که اگر مالیات تصاعدی روی درآمد اعمال شود، در بهبود توزیع درآمد در یک جامعه بسیار مؤثر است.

در مطالعه حاضر با توجه به مقاله کاماس و لاپاتیناس[1] (۲۰۱۵)، به بررسی اثر متغیرهایی چون تورم، رشد جمعیت، درآمد مالیاتی دولت، هزینه‌های دولت و تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد پرداخته شده است. در حقیقت در مدل مذبور تلاش می‌شود

1. Kammas & Lapatinas

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

اثر درآمد مالیاتی دولت در کنار سایر متغیرهای کلان بر ضریب جینی سنجیده شود. طبق مبانی نظری افزایش تورم منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شود. لذا اگر افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمت‌ها نباشد، قدرت خرید کاهش می‌یابد که منجر به کاهش دستمزد و حقوق واقعی می‌شود.

در مورد نرخ رشد جمعیت، اگر امکانات و نیازهای رفاه اجتماعی متناسب نباشد، رشد جمعیت مانع توسعه خواهد شد. وقتی شرایط مناسبی برای اشتغال و درآمد وجود نداشته باشد، جمعیت، نابرابری درآمد را تشدید می‌کند. در مورد متغیر درآمد مالیاتی دولت، افزایش درآمد ناشی از مالیات بر درآمد باعث کاهش شاخص جینی می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. این نتیجه با مطالعات تجربی قبلی که توسط کیانگ چو[1] و همکاران (۲۰۰۰) و رضاقلی‌زاده و آقایی (۲۰۱۵) انجام شد، سازگار است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، سیاست‌های مالی دولت، علی‌الخصوص مالیات در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر است. با وضع مالیات بر درآمد، دولت می‌تواند درآمد حاصل از ثروتمندان را در میان فقرا توزیع کند، خصوصاً اگر با نرخ تصاعدی اعمال شود.

همچنین افزایش تولید ناخالص داخلی نتایج مثبتی دارد، مانند افزایش تقاضای کل و اشتغال که درآمد دهک‌های مختلف را افزایش می‌دهد و نابرابری را کاهش می‌دهد.

افزایش هزینه‌ها و سیاست‌های دولت نابرابری درآمد را تشدید می‌کند. با افزایش درآمد مالیاتی، دولت درآمد بیشتری برای خرج کردن در بخش‌های مختلف به دست می‌آورد. انواع درآمد اختصاص‌یافته به بخش‌های مختلف تأثیرات متفاوتی بر توزیع درآمد دارد. اگر به هزینه‌های دولت در بخش‌های مختلف نگاه شود، در آن صورت، مشاهده می‌شود که سهم هزینه‌های عمومی بیشتر از هزینه‌های بهداشت و آموزش است. معمولاً هزینه‌های عمومی کارایی

1. Qiang Chu

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

چندانی در اقتصاد ایجاد نمی‌کند و به همین دلیل است که هزینه‌های عمومی بالا در مقایسه با هزینه بخش‌های دیگر، تأثیر مثبت بر توزیع درآمد را ندارد.

۳. پیشینه پژوهش

فراهتی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای نشان می‌دهد که جایگزینی مالیات بر شرکت‌ها در بازه ۱۳۸۰-۱۳۹۶ مالیات بر ثروت نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. جایگزینی مالیات بر کالا و خدمات برای مالیات بر ثروت نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد؛ در صورتی که جایگزینی این نوع مالیات برای مالیات بر شرکت‌ها هیچ تأثیر معناداری بر نابرابری درآمد ندارد. در این مطالعه، نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل هم انباشتگی مبتنی بر رویکرد خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) نشان می‌دهند که جایگزینی مالیات بر درآمد برای هر یک از اقلام مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر ثروت و مالیات بر کالا و خدمات منجر به کاهش نابرابری درآمد می‌شود.

نادری و سلاطین (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای برای بازه زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۵ با استفاده از مدل ARDL نشان دادند که چون مالیات بر ارزش‌افزوده عمدتاً با نرخ یکسان بر عموم کالاها و خدمات صرف‌نظر از کشش قیمتی و درآمدی تقاضای آن‌ها وضع می‌شود، می‌تواند موجب انتقال بار مالیاتی به مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات شود. این موضوع با اصول عدالت مالیاتی سازگار نیست و درصورتی‌که به نحو مناسبی خنثی نشود، می‌تواند موجبات تعمیق بی‌اعتمادی و شکاف میان عموم مؤدیان مالیاتی (مصرف‌کنندگان) و دولت را فراهم آورد و آن‌ها را به مالیات‌گریزی را تشویق کند.

صادقی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که شوک‌های مالیاتی در بازه زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۵ بیشترین سهم از تغییرات مربوط به ضریب جینی را به خود اختصاص داده است که این امر اهمیت موضوع مالیات‌ها در توزیع درآمد جامعه را نشان می‌دهد. این مطالعه همچنین فرضیه کوزنتس برای ایران را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

سالم و نادمی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که مالیات‌ها تا یک حد آستانه، تأثیر معنی‌داری بر بهبود توزیع درآمد نداشته‌اند، اما پس از گذشت از این حد آستانه، افزایش نسبت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی، باعث بدتر شدن توزیع درآمد شده است .دلیل آن نیز به ضعف نظام مالیاتی کشور بازمی‌گردد که عمده فشار مالیاتی بر بخش تولید و نیز بر بخش حقوق‌بگیران است و مشاغل دلالی و غیر مولد را در برنمی‌گیرد.

میلانی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود نشان دادند که یک نظام مالیاتی کارآمد در قالب مالیات تصاعدی می‌تواند به بهبود توزیع درآمد منجر شود. در این مقاله به ارزیابی تأثیر ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد بر نابرابری درآمد در ۳۰ استان کشور طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴ پرداخته‌شده است. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که ساختار مالیات بر درآمد در ایران تصاعدی است، اما نتوانسته موجب کاهش نابرابری درآمد شود.

مهرآرا و اصفهانی (۱۳۹۴) در مطالعه خود نشان دادند که با افزایش سهم مالیات بر درآمد شخصی و سهم مالیات بر شرکت‌ها از کل درآمدهای مالیاتی، ضریب جینی کاهش خواهد یافت و توزیع درآمد بهبود خواهد یافت. همچنین با افزایش سهم مالیات بر کالاها و خدمات از کل درآمدهای مالیاتی، توزیع درآمد رو به وخامت خواهد نهاد و ضریب جینی افزایش خواهد یافت.

پژویان و اسکندری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تأثیرات مورد انتظار از ورود مجدد مالیات بر کل درآمد در اقتصاد ایران را بررسی کردند. در تحقیقات آن‌ها، وضعیت مالیات برخی از کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا (مصر، اردن، مراکش، تونس و قبرس) برای یک دوره هشت‌ساله از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ موردبررسی قرار گرفت. این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از مالیات بر کل درآمد شخصی در کشورهای منتخب بر توزیع درآمد تأثیر منفی می‌گذارد.

ابونوری و خوش کار (۱۳۸۹) تأثیر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران را در بازه زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۷ با استفاده از مدل اقتصادسنجی تجزیه‌وتحلیل کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که به ازای ۱ درصد افزایش در کل مالیات دریافتی از هر خانوار، ۰/۸۱ درصد افزایش در سطح نابرابری سال بعد وجود دارد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

هوینز و پاتل[1] (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «سیاست مؤثر برای کاهش فقر و نابرابری؟ اعتبار درآمد مالیاتی کسب‌شده و توزیع درآمد» تأثیر EITC را بر فقر و درآمد مادران مجرد دارای فرزند در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۶ با استفاده از رویکردی نیمه تجربی دریافت شد که تأثیرات افزایش درآمد EITC بین ۷۵ تا ۱۵۰ درصد از درآمد به بهبود فقر کمک می‌کند و اعمال مالیات بر درآمد بر کاهش نابرابری مؤثر است.

رامیرز[2] (۲۰۰۲) در مطالعه خود رفتار مطلوب دولت را برای استفاده از سیاست‌های مالی برای توزیع مجدد درآمد بررسی کرد. وی از یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی برای یافتن تفاوت تأثیر اختلال دائمی و موقتی مالیات بهینه استفاده کرده است؛ و رابطه بین نابرابری اولیه و اعمال مالیات بر توزیع درآمد را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که نابرابری اولیه تأثیر زیادی در اعمال مالیات بر توزیع درآمد دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که نرخ مالیات بر نابرابری در توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد.

کیانگ چو و همکاران[3] (۲۰۰۲) در مطالعه خود در بازه ۱۹۵۰-۲۰۰۰ توزیع درآمد کشورهای درحال‌توسعه را در دهه‌های اخیر قبل و بعد از مالیات با روش‌های اقتصادسنجی بررسی کردند. آن‌ها بیان کردند که ضریب جینی پس از اعمال مالیات، به‌طور متوسط کمتر از ضریب جینی قبل از مالیات است. این بهبود توزیع در کشورهای صنعتی به دلیل ساختار مالیاتی بیشتر از کشورهای درحال‌توسعه است.

چو، داودی و گوپتا[4] (۲۰۰۲) توزیع درآمد و مالیات را در کشورهای درحال‌توسعه و کشورهای در حال گذار بررسی کردند. نتایج نشان داد که توزیع درآمد قبل از مالیات در کشورهای درحال‌توسعه نسبت به کشورهای صنعتی نسبتاً برابر است. اگرچه برخلاف کشورهای

1. Hoinse & Patel
2. Ramires
3. Kiang chu & et al
4. Chu, dowdy & gupta

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

صنعتی، کشورهای درحال‌توسعه به‌طورکلی نمی‌توانند نابرابری در درآمد را با استفاده از مالیات و سیاست‌های انتقالی کاهش دهند.

بورگ و رتسو[1] (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای اهمیت ساختار مالیات بر توزیع درآمد را بررسی کردند. آن‌ها ساختار مالیات را در دولت محلی نروژ و تأثیر توزیع مالیات بر مصرف و ثروت را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که اگرچه مالیات بر مصرف بخش بزرگی از مالیات را شامل می‌شود اما مالیات بر ثروت، تأثیر توزیعی بیشتری دارد.

٤. مدل تحقیق

یکی از مدل‌های پویایی که برای نشان دادن رابطه ایستا بلندمدت بین متغیرهای توضیحی و وابسته مورداستفاده قرار می‌گیرد، روش خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی(ARDL) است. این مدل زمانی مورداستفاده قرار می‌گیرد که هیچ شکست ساختاری در مجموعه داده‌ها وجود نداشته باشد و درنهایت به یک ارزیابی نسبتاً بی‌طرفانه برای ضرایب بلندمدت دست‌یافته است. یکی از برتری‌های روش ARDL این است که صرف‌نظر از اینکه متغیرها I(۰) یا I (۱) باشد، مدل عملی است. دلیل دیگر این است که در نمونه‌های کوچک یا محدود در مقایسه با روش‌های دیگر مانند ادغام Engle-Granger بیشتر قابل‌استفاده است. لازم به ذکر است که اگر یک سری زمانی I(۲) در مدل وجود داشته باشد، از مدل ARDL استفاده نمی‌شود (شهباز اکمل، ۲۰۰۷). با توجه به مباحث نظری ارائه‌شده در مورد تأثیر مالیات بر درآمد بر نابرابری و پیروی از کاماس و لاپاتیناس[2] (۲۰۱۵)، مدل تحقیق به‌عنوان معادله (۱) برابر است با:

$$Gini_t = \beta_0 + \beta_1\pi_t + \beta_2 pg_t + \beta_3 itax_t + \beta_4 gdp_t + \beta_5 ge_t + u_t$$

که در آن gini ضریب جینی استان تهران است، π تورم استان تهران است و pg رشد جمعیت استان تهران است. همچنین tax درآمد مالیاتی استان تهران، gdp تولید ناخالص داخلی استان تهران و ge هزینه‌های دولت به میلیارد ریال (IRR) در استان تهران است. تمام متغیرهای این

1. Burg & retso
2. Kammas & Lapatinas

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

تحقیق با در نظر گرفتن سال پایه ۱۳۹۰ مقادیر واقعی دارند. ضریب جینی، مالیات بر درآمد، تولید ناخالص داخلی و هزینه‌های دولت از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری‌شده است. داده‌های مربوط به تورم و نرخ رشد جمعیت طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۹ از بانک جهانی و بانک مرکزی ایران و مرکز آمار ایران جمع‌آوری‌شده است.

نوآوری این مقاله در این است که با توجه به اینکه مطالعات متعددی در حوزه مالیات بر درآمد و تأثیر آن بر ضریب جینی انجام‌شده است ولی این مطالعات برای استان تهران که درصد بالایی از درآمدهای مالیاتی کشور مربوط به این استان است، انجام‌نشده است. لذا با این تفاسیر این مطالعه با توجه به اهمیت استان تهران به‌عنوان پایتخت و تأثیر آن بر توزیع درآمد موردبررسی قرارگرفته و ازاین‌جهت دارای نوآوری است.

۵. برآوردها و تحلیل نتایج

از الزامات مهم در برآوردهای معادلات اقتصادی با داده‌های سری زمانی و تخمین مدل با روش حداقل مربعات معمولی، انجام آزمون پایایی است. برای شناسایی سری‌های زمانی پایا از نا پایا روش‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها آزمون ریشه واحد دیکی- فولر و دیکی- فولر تعمیم‌یافته هست؛ بنابراین ابتدا پایایی متغیرهای الگوی پیشنهادی بر اساس آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF۱) موردبررسی قرار داده‌شده است تا مشخص شود رگرسیون کاذب است یا خیر. فرضیه صفر این آزمون مبنی برریشه واحد داشتن متغیرهای سری زمانی بر اساس آماره آزمون مک کینون در جداول زیر بررسی‌شده است.

جدول ۱. نتایج بررسی پایایی متغیرها

نام متغیر	**gini**					
وضعیت	I(1)	I(0)	I(1)	I(1)	I(1)	I(1)
آماره	-4.2699	-3.2899	-4.3702	-4.7409	-3.8920	-5.0821
Prob	0.0021	0.0310	0.0145	0.0017	0.0349	0.0008

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Augmented Dickey-Fuller

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

قبل از برآورد مدل باید آزمون مانایی با استفاده از روش دیکی فولر تعمیم‌یافته انجام شود که در بالا انجام شد تا اطمینان حاصل شود که هیچ‌یک از متغیرها مانا از مرتبه بالاتر از یک نباشند. در این صورت از بروز رگرسیون کاذب جلوگیری می‌شود. چراکه هنگام وجود متغیرهای مانا از مرتبه بالاتر از یک در مدل، F محاسبه‌شده، قابل‌اعتماد و معنی‌دار نیست. آزمون F مبتنی بر این فرض است که تمامی متغیرهای موجود در مدل I(0) و یا I(1) باشند. نتایج نشان می‌دهند که سری‌های زمانی یا انباشته از درجه صفر و در سطح ایستا هستند و یا با یک‌مرتبه تفاضل گیری ایستا شده‌اند؛ بنابراین مشکلی به لحاظ وجود متغیرهای I(2) و بیشتر وجود ندارد و می‌توان به نتایج حاصله اطمینان داشت. در ادامه با استفاده از آزمون هم انباشتگی یوهانسون وجود رابطه بلندمدت در مدل بررسی‌شده و به آزمون فروض کلاسیک و آزمون پایداری ضرایب و ارائه رابطه بلندمدت پرداخته می‌شود. درنهایت رابطه کوتاه‌مدت مدل ارائه‌شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیص و آزمون ثبات ساختاری نشان می‌دهد که فروض کلاسیک برای تخمین موردنظر برقرار است و ضرایب پایدار هستند.

با توجه به یکسان بودن مرتبه هم انباشتگی متغیرها، می‌توان از آزمون هم‌جمعی یوهانسون جهت تعیین بردار همگرایی استفاده نمود. مفهوم هم‌جمعی، تداعی‌کننده وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند. در تحلیل چندمتغیره سری‌های زمانی، ممکن است بیش از یک رابطه هم‌جمعی بلندمدت بین متغیرها وجود داشته باشد که در این حالت یوهانسون از طریق برآورد کننده‌های حداکثر درستنمایی، دارای توان تشخیص هم‌جمعی چندگانه و بهترین بردار هم‌جمعی است. به‌علاوه این روش توان آزمون بردار هم‌جمعی به‌صورت مقید و برآورد پارامترهای سرعت تعدیل رادارند. لذا این آزمون یکی از کامل‌ترین ابزارها در برآورد الگوهای اقتصادی سری زمانی است. دربسته کامپیوتری Eviews و آزمون هم‌جمعی یوهانسون، با عنوان Ratio Likelihood، معرفی می‌شود که اساس قضاوت قرار می‌گیرد. در صورتی که LR از مقادیر بحرانی جدول در سطوح مختلف اطمینان کوچک‌تر باشد، فرض وجود بردار هم‌جمعی پذیرفته می‌شود. جدول زیر که مربوط به آزمون هم‌جمعی یوهانسون

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

است، با برنامه Eviews انجام‌شده و در آن وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای وابسته و توضیحی مورد آزمون قرار گرفت و وجود رابطه بلندمدت به اثبات رسید.

جدول ۲. نتایج آزمون هم‌جمعی

فرضیه صفر	مقدار ویژه	آزمون اثر		آماره حداکثر مقادیر ویژه	
		آماره اثر	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	آماره حداکثر مقادیر ویژه	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
r=0	0.883397	101.4588	95.75366	40.83062	40.07757
r≤1	0.685322	60.62823	69.81889	21.96789	33.87687
r≤2	0.577248	38.66034	47.85613	16,35840	27.58434
r≤3	0.453720	22.30194	29.79707	11.48784	21.13162
r≤4	0.427251	10.81410	15.49471	10.58886	14.26460
r≤5	0.011785	0.225243	3.841465	0.225243	3.841465

منبع: یافته‌های تحقیق

در راستای برآورد رابطه اصلی ابتدا با توجه به تعداد محدود مشاهدات، مقدار حداکثر ۱ وقفه برای متغیر وابسته و برای متغیرهای توضیحی ۲ وقفه در نظر گرفته‌شده است. به دلیل ایجاد هم خطی در بین متغیرها و عدم امکان برآورد مدل لذا تمامی معادلات به روش حداقل مربعات معمولی برآورد شدند، سپس با استفاده از معیار شوارتز-بیزین، یکی از معادلات برآورد شده به‌عنوان رابطه‌ی پویای بین متغیرها انتخاب شد. جدول زیر در رابطه‌ی پویای به‌دست‌آمده، وقفه بهینه ضریب جینی استان تهران و رشد جمعیت استان تهران، ۱ و مابقی متغیرها ۲ وقفه‌ای در نظر گرفته شدند و مدل به‌صورت ARDL(1, 2, 2, 2, 1, 2) برآورد شد.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل پویا (تخمین کوتاه‌مدت مدل)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
Gini(-1)	-0.326749	0.151134	-2.471049	0.0427
p	0.000165	0.000278	0.591483	0.6141
p (-1)	0.001568	0.000357	4.398216	0.0480
p (-2)	-0.002254	0.000406	-5.371931	0.0309
Pg	-0.150721	0.035937	-4.194085	0.0524
Pg(-1)	0.230148	0.050890	4.522463	0.0456
tax	0.381461	0.000376	-7.976414	0.0154
Tax(-1)	0.000399	0.000199	2.200189	0.0598

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

ادامه جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل پویا (تخمین کوتاه‌مدت مدل)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
Tax(-2)	0.000167	0.000442	3.791045	0.0631
gdp	0.000376	0.000122	3.094619	0.0904
Gdp(-1)	0.000156	0.000011	1.422285	0.2909
Gdp(-2)	0.000158	0.300168	9.405504	0.0111
ge	0.000978	0.000492	1.989343	0.1850
Ge(-1)	-0.000140	0.000798	-1.755119	0.2213
Ge(-2)	-0.000227	0.000443	-6.372901	0.0246
-	R^2=0.994		F(11,4)=97.416	DW=2.673
آزمون فرض				
آزمون ناهمسانی واریانس: χ^2= 0.3292 [0.4184]				
آزمون خودهمبستگی χ^2 = 0.9039 [0.9777]				
آزمون نرمال بودن χ^2 = 0.8504 [0.6536]				

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، فرضیه صفر این است که هیچ زنجیره خودکار همبستگی، هم واریانسی و توزیع نرمال وجود ندارد. همچنین وجود یک‌شکل تبعی مناسب رد نمی‌شود؛ بنابراین، مدل تخمین زده‌شده آزمایش‌های تشخیصی را با موفقیت پشت سر گذاشته است.

برای بررسی اینکه وقتی مدل از یک دوره به دوره بعدی حرکت می‌کند چه میزان از انحراف در تابع عرضه صادرات محصول متانول به مقاصد هدف از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در دوره بعد تصحیح می‌شود، از مدل تصحیح خطا (ECM[1]) استفاده می‌شود که در زیر جداول مربوط به این مدل آورده شده است.

وجود ادغام در بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، زمینه استفاده آماری از مدل‌های تصحیح خطا را فراهم می‌کند. فایده این مدل‌ها این است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به

1. Error correction model

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

مقادیر تعادل بلندمدت مرتبط می‌کنند. این مدل‌ها مدل‌های تنظیم جزئی هستند. با معرفی یک باقیمانده پایدار از یک رابطه بلندمدت، نیروهای مؤثر کوتاه‌مدت و سرعت برای به دست آوردن مقدار تعادل بلندمدت اندازه‌گیری می‌شوند. ارزیابی مدل در دو مرحله انجام می‌شود: مرحله اول تخمین رابطه بلندمدت و تأیید آن است. مرحله دوم، وقفه باقیمانده رابطه بلندمدت به‌عنوان یک عامل تصحیح خطا استفاده می‌شود و مدل ارزیابی می‌شود. ضریب تصحیح خطا نشان‌دهنده تخمین ضریب تأخیر (وقفه) باقیمانده است. اگر علامت آن طبق انتظار منفی باشد، نشان‌دهنده ضریب تصحیح خطا و گرایش به تعادل بلندمدت است. این عامل نشان می‌دهد که چند درصد عدم تعادل متغیر وابسته در هر دوره، نزدیک به رابطه بلندمدت تنظیم‌شده است (تشکینی، ۲۰۰۵)[1]

جدول ۴. نمایش تصحیح خطا برای مدل ARDL

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
D(GDP)	0.000376	0.027193	3.706819	0.0657
D(GDP(-1))	-0.000158	0.072914	-10.79225	0.0085
D(GE)	0.000978	0.000125	2.784299	0.1084
D(GE(-1))	0.000277	0.000343	8.079179	0.0150
D(P)	0.000165	0.000148	1.111110	0.3822
D(P(-1))	0.002254	0.000200	11.25808	0.0078
D(PG)	0.150721	0.019297	11.89920	0.0160
D(TAX)	-0.000471	0.000249	-12.34795	0.0068
D(TAX(-1))	-0.000156	0.000222	-7.37469	0.0171
CointEq(-1)*	-0.680260	0.091636	-14.47199	0.0047

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب تعیین نشان‌دهنده قدرت توضیح دهندگی بالای الگو است. ضریب تصحیح خطا بیان می‌کند وقتی از یک دوره به دوره بعدی حرکت می‌کنیم چند درصد از میزان انحراف در تابع رگرسیون موردمطالعه از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در دوره بعد تصحیح می‌شود که وقتی ضریب تصحیح خطا معنی‌دار و دارای علامت منفی است و نشان می‌دهد که وقتی از یک دوره به دوره بعدی حرکت می‌کنیم، به میزان

1. Teshkini, 2005

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

۶۸/۲ درصد از میزان انحراف در تابع از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در دوره بعد تصحیح می‌شود.

جدول ۵ نتایج مرتبط با برآورد ضرایب بلندمدت را نشان می‌دهد.

جدول۵. نتایج حاصل از برآورد بلندمدت مدل ARDL(1, 2, 2, 2, 1, 2)

نام متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	احتمال
GINI(-1)*	-1.326850	0.453402	-2.92573	0.0397
GDP(-1)	-1.630754	0.204713	3.54191	0.0261
GE(-1)	0.403921	0.000307	-4.03975	0.0076
P(-1)	0.000521	0.001480	-2.95175	0.0585
PG(-1)	0.079427	0.103569	3.75990	0.0233
TAX(-1)	-1.639506	0.000812	-2.58291	0.0536

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج ضرایب بلندمدت ARDL نشان می‌دهد که شاخص تورم با مقدار ۰/۰۰۰۵ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص جینی دارد، به این معنی که افزایش تورم منجر به افزایش نابرابری درآمد در ایران می‌شود. اگر افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمت‌ها نباشد، قدرت خرید کاهش می‌یابد که منجر به کاهش دستمزد و حقوق واقعی می‌شود. این امر به گروه کم‌درآمد جامعه آسیب خواهد رساند. علامت مثبت تورم با انتظارات نظری و مطالعات قبلی سازگار است.

نرخ رشد جمعیت با ضریب ۰/۰۷۹ دارای اثر مثبت و معناداری بر شاخص جینی است. اگر امکانات و نیازهای رفاه اجتماعی متناسب نباشد، رشد جمعیت مانع توسعه خواهد شد. وقتی شرایط مناسبی برای اشتغال و درآمد وجود نداشته باشد، جمعیت، نابرابری درآمد را تشدید می‌کند. این نتیجه با مطالعات تجربی قبلی که توسط رضاقلی‌زاده و آقایی (۲۰۱۵) انجام شد، سازگار است.

شاخص مالیات بر درآمد با ضریب ۱/۶۳۹- تأثیر منفی و معناداری بر شاخص جینی دارد. علامت منفی ضریب به این معنی است که افزایش درآمد ناشی از مالیات بر درآمد باعث کاهش شاخص جینی می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. این نتیجه با مطالعات تجربی قبلی که توسط کیانگ چو[1] و همکاران (۲۰۰۰) و

1. Qiang Chu

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

رضاقلی‌زاده و آقایی (۲۰۱۵) انجام شد، سازگار است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، سیاست‌های مالی دولت، علی‌الخصوص مالیات در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر است. با وضع مالیات بر درآمد، دولت می‌تواند درآمد حاصل ثروتمندان را در میان فقرا توزیع کند، خصوصاً اگر با نرخ تصاعدی اعمال شود. تأثیر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی اتخاذشده در مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بستگی دارد. در صورت عدم فرار از پرداخت مالیات، مالیات بر درآمد مردم با نرخ نمایی (تصاعدی)، سبب توزیع مجدد درآمد شده و مطابق با اصل توانایی پرداخت است. مالیات بالاتری برای افراد با درآمد بالاتر در مالیات بر درآمد با نرخ‌های رشد نمایی (تصاعدی) وجود دارد که توزیع مجدد درآمد را بهبود می‌بخشد.

شاخص تولید ناخالص داخلی با ضریب ۱/۶۳۰- تأثیر منفی و معناداری بر شاخص جینی دارد. این نتیجه بامطالعه رضاقلی‌زاده و آقایی (۲۰۱۵) با داده‌های سری زمانی ایران مطابقت دارد. به‌طورکلی، افزایش تولید ناخالص داخلی نتایج مثبتی دارد، مانند افزایش تقاضای کل و اشتغال که درآمد دهک‌های مختلف را افزایش می‌دهد و نابرابری را کاهش می‌دهد.

شاخص هزینه دولت نابرابری درآمد را با ضریب ۰/۴۰۳ افزایش می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌ها و سیاست‌های دولت نابرابری درآمد را در طول دوره مطالعه تشدید کرده است. با افزایش درآمد مالیاتی، دولت درآمد بیشتری برای خرج کردن در بخش‌های مختلف به دست می‌آورد. انواع درآمد اختصاص‌یافته به بخش‌های مختلف تأثیرات متفاوتی بر توزیع درآمد دارد. فرض کنید اگر به هزینه‌های دولت در بخش‌های مختلف نگاه کرد. در آن صورت، مشاهده می‌شود که سهم هزینه‌های عمومی بیشتر از هزینه‌های بهداشت و آموزش است. معمولاً هزینه‌های عمومی کارایی چندانی در اقتصاد ایجاد نمی‌کند. به همین دلیل است که هزینه‌های عمومی بالا در مقایسه با هزینه بخش‌های دیگر تأثیر مثبت هزینه‌های دولت بر توزیع درآمد را ندارد. تأثیر هزینه‌های دولت بر هر بخش را می‌توان جدا از این مقاله بررسی کرد. توزیع مجدد درآمد مالیاتی نقش مؤثری در توزیع برابر درآمد دارد و اگر به‌درستی و بهینه اتفاق نیفتد، تأثیر مثبت مالیات بر درآمد را بر توزیع درآمد کاهش می‌دهد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مالیات به‌عنوان ابزاری قدرتمند و مؤثر در سیاست‌های مالی، در پیشبرد اهداف دولت نقش مهمی دارد و نقش آن در سیستم مالیاتی کشورها در دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی بسیار پررنگ است. یکی از اهداف اصلی سیستم مالیات، بهبود توزیع درآمد است. در این مطالعه، تأثیر مالیات بر درآمد بر شاخص ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ در ایران با استفاده از روش خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بررسی شد. نتایج تحقیق تأثیر منفی مالیات بر درآمد را بر شاخص ضریب جینی نشان می‌دهد. این بدان معنی است که افزایش درآمد مالیاتی از طریق تغییر نرخ مالیات، به دلیل سیاست مالی انقباضی دولت، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. همچنین تورم تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی داشته است به‌طوری‌که افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمت‌ها نباشد، قدرت خرید کاهش می‌یابد که منجر به کاهش دستمزد و حقوق واقعی می‌شود. این امر به گروه کم‌درآمد جامعه آسیب خواهد رساند. نرخ رشد جمعیت دارای اثر مثبت و معناداری بر شاخص جینی است. اگر امکانات و نیازهای رفاه اجتماعی متناسب نباشد، رشد جمعیت مانع توسعه خواهد شد. وقتی شرایط مناسبی برای اشتغال و درآمد وجود نداشته باشد، جمعیت، نابرابری درآمد را تشدید می‌کند. شاخص تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معناداری بر شاخص جینی دارد. به‌طورکلی، افزایش تولید ناخالص داخلی نتایج مثبتی دارد، مانند افزایش تقاضای کل و اشتغال که درآمد دهک‌های مختلف را افزایش می‌دهد و نابرابری را کاهش می‌دهد. همچنین شاخص هزینه دولت نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌ها و سیاست‌های دولت نابرابری درآمد را در طول دوره مطالعه تشدید کرده است.

نتایج ضرایب بلندمدت ARDL نشان می‌دهد که شاخص تورم با مقدار ۰/۰۰۰۵ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص جینی دارد، به این معنی که افزایش تورم منجر به افزایش نابرابری درآمد در ایران می‌شود. نرخ رشد جمعیت با ضریب ۰/۰۷۹ دارای اثر مثبت و معناداری بر شاخص جینی است. اگر امکانات و نیازهای رفاه اجتماعی متناسب نباشد، رشد جمعیت مانع توسعه خواهد شد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

شاخص مالیات بر درآمد با ضریب ۱/۶۳۹- تأثیر منفی و معناداری بر شاخص جینی دارد. علامت منفی ضریب به این معنی است که افزایش درآمد ناشی از مالیات بر درآمد باعث کاهش شاخص جینی می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. این نتایج با مطالعات تجربی قبلی که توسط Qiang Chu و همکاران (۲۰۰۰) و رضاقلی‌زاده و آقایی (۲۰۱۵) انجام شد، سازگار است.

بر همین اساس و بر اساس نتایج تخمین مدل، سیاست‌های زیر برای بهبود توزیع درآمد توصیه می‌شود:

- ضمن شناسایی مبانی مالیاتی که باعث تشدید توزیع نابرابر درآمد می‌شود تا آنجا که ممکن است، بهتر است پایه مالیات بر درآمد شخصی تقویت و جایگزین پایه‌های مالیاتی ناکارآمد شود.
- افزایش درآمد ناشی از مالیات بر درآمد باعث کاهش شاخص جینی می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد.
- توجه به چگونگی تأثیرگذاری هزینه‌های عمومی بر نابرابری درآمد و اتخاذ راهکارهای مناسب برای بهبود توزیع مجدد از طریق درآمد مالیاتی.

منابع

خانزادی، آزاد، حیدریان، مریم، مرادی، سارا (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل نقش و اثرات درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد و توسعه انسانی (مطالعه موردی کشور ایران)، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۱۱(۴)، ۱۳۵-۱۵۸.

سالم، علی‌اصغر، نادمی، یونس (۱۳۹۶)، مالیات‌ها و توزیع درآمد در ایران: رویکرد رگرسیون آستانه‌ای. *پژوهشنامه مالیات*. ۲۵ (۳۴)، ۱۵-۳۰.

نادری، سعید، سلاطین، پروانه (۱۳۹۷) تأثیر مالیات بر ارزش‌افزوده بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۷ (۲۴)، ۶۰-۴۱.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

سیفی پور رؤیا، رضایی، محمدقاسم (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها. *پژوهشنامه مالیات*. ۱۹ (۱۰)، ۱۲۱-۱۴۲.

صادقی سید کمال، بهشتی محمدباقر، رنج پور رضا، ابراهیمی، سعید (۱۳۹۷)، تحلیل تجربی تأثیر مالیات‌های مستقیم بر توزیع درآمد در ایران: کاربرد مدل خود رگرسیون برداری عامل افزوده. *پژوهشنامه مالیات*. ۲۶ (۳۷)، ۴۱-۷۲.

فراهتی، محبوبه (۱۳۹۷)، اثر ترکیب مالیاتی بر توزیع درآمد در ایران: رویکرد خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL)، *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۵(۳)، ۱۸۵-۲۱۲.

مهرآرا محسن، اصفهانی، پوریا (۱۳۹۴)، بررسی رابطهٔ بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب. *پژوهشنامه مالیات*. ۲۳ -۲۸.

عبدالله میلانی، مهنوش، پروین، سهیلا، سیدی، کوثر (۱۳۹۶) ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در استان‌های کشور، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۷ (۶۶).

Abounoori, E. & Khoshkar, A. (2009). Analysis of Factors Affecting Economic Inequality in Iran Using Micro Data. *Islamic Economy Journal*, 8(30), 99-122.

Adam, A. Kammas, P. & Lapatinas, A. (2015). Income inequality and the tax structure: Evidence from developed and developing countries. *Journal of Comparative Economics*, 43(1), 138-154.

Azarbayejani, K. Mollaesmaeili Dehshiri, H. & Daei Karimazadeh, S. (2014). Investigating the Impact of Trade and Foreign Direct Investment on Income Distribution in Iran with ARDL Approach. *Journal of Trading Reviews*, 11(61), 69-82.

Borge, L. E. & Rattso, J. (2001). Income Distribution and Tax Structure: Microeconomic Test of the Meltzer – Richard Hypothesis, CES Working Paper, Number 543.

Faramarzi, A. Dashtban, M. Hakimipour, N. Alipour, S. & Jabari, A. (2016). The Study of the Relationship between Taxation and Economic Growth, Case Study of Iran and OPEC and Organization of Economic Cooperation (OPEC) and (OECD). *Financial Economics*, 9(32), 103-122.

Komeijani, A. & Fahim Yahyayi, F. (1991). Analysis of the Tax Composition and Estimation of Iran's Tax Capacity. *Journal of Future Studies Management*, 3(1), 67-86.

Musgrave, R. (1959). The Theory of Public Finance. McGraw Hill, Newyork.Pajouyan, J. & Eskandari, M. (2012). The Expected Effects of Personal Income Tax Re-introduction in Iran s Economy. *Tax Research*, 20(14), 31-60.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

Pajouyan, J. (2006). Sources of Expansion of Tax Bases in Iran's Economy, Articles of Iranian Economic Congress in the Ninth step with Emphasis on Low-Income Groups and Deprived Areas, Ministry of Economy and Finance.

Palme, M. (1996). Income distribution effects of the Swedish 1991 tax reform: An analysis of a microsimulation using generalized Kakwani decomposition. *Journal of Policy Modeling*, 18(4), 419-443.

Pesaran, M. H. Shin, Y. & Smith, R. J. (2001). Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships. *Journal of Applied Econometrics*, 16(3), 289-326.

Qiang Chu. Davoodi, H. & Gupta, S. (2002). Social Policy Government Cost and Taxes and Income Distribution in Developing Countries, translated by Mohsen Kalantari. *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 10(23), 101-151.

Ramirez, J. (2002). Redistribution and Fiscal policy, Federal Reserve Bank of Atlanta, Working Paper.

Rezagholizadeh, M. & Aghaei, M. (2015). Investigating the Effect of Direct Tax on Income Distribution in Iran. *Majlis and Rahbord*, 22(84), 129-156.

Seifeepour, R. & Rezaee, M. (2011). An Analysis of the Effective Factors on Income Distribution in Iran with an Emphasis on Taxes. *Tax Research Journal*, 19(10), 121-142.

Shahbaz Akmal, M. (2007). Stock Returns and Inflation: An ARDL Econometric Investigation Utilizing Pakistani Data. *Pakistan Economic and Social Review*, 45(1), 89-105.

Teshkini, A. (2005). Applied Econometrics with the Help of MICROFIT. First Edition, Tehran: Tehran Dibagaran Art and Cultural Institute.

Todarou, M. (2004). Economic Development in the Third World, Translation by Gholamali Farjaadi. Seventh Edition, Tehran: Kuhsar Publication.

World Bank (2014). InequalIty in Focus, Analyzing the World Bank's Goal of Achieving Shared Prosperity. Retrieved from: www.worldbank.org.

Hilary W. Hoynes and Ankur J. Patel, (2018), Effective Policy for Reducing Poverty and Inequality?The Earned Income Tax Credit and the Distribution of Income, *the journal of human resources*, by the Board of Regents of the University of Wisconsin System.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.52547/qjfep.9.36.159]